

نجمه

۱۳۲۹ ۲

شماره ۱۰ مجله المومنان ۱۳۲۱
فهرست مندرجات

- ۱ مرثیه از برای شرف
- ۲ نطق و داعی عبدالبهاء در دبلین
- ۳ اعلان کتاب بیهان لامع
- ۴ عذر

Address: *Najme Bakhtar*, P. O. Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.

این مجله بوجه تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل یگانگی بشر و وحدت ادیان و انتشار علوم و فنون این قرن و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقائق این دین عمومی خواهد نوشت و مقالات مفیده که موافق سبک ادب است قبول و نشر خواهد گردید

مقدمه از برای شرق

بعد از سفر نه ماهه در امریکا حضرت مولی الوری عبدالبهاء در حال روح و ریاضت یوم پنجشنبه بیست و ششم ذوالحجه مطابق ۲۳ دسمبر ماه فرنگی ۱۳۲۱ هجری و ۱۹۱۲ مسی تقریباً وقت ظهر تشریف فرمای واپورا بیض شد از شهر نیویورک عازم لندن شدند جمهور عظیمی از احباب برای مشایعت در کشتی جمع آمدند و با چشمه های گریان و دلهای بریان و داع و خدا حافظ میبودند و احساسات قلبی شان با بوی الله ابهی و با بهاء و الاهی تقدیم سیدان هیکل مبارک از شرق اقصی تا غرب امریکا سیاحت فرمودند و در هر شهریکه تشریف میبردند جمیع محافل و مجالس عظیمه و معابد و کناش همه و انجمن ها و مدارس عالییه دعوت و التماس می نمودند که بجامعشان بقدم مبارک مزین و گوشه اشان با ستماع

این نبأ عظیم ملتذ شود حضرت مولی الوری هم تشریف میبردند و مطابق حال اثبات فرمایشات میفرمودند در کناش مسیحیان اثبات حقیقت حضرت رسول می نمودند و در معابد کلیسیان از دلایل و براهین در اثبات حقیقت حضرت مسیح و حضرت محمد سخن میفرمودند مختصر خیمه وحدت عالم انسانی را در هر انجمن زدند و علم صلح و سلام در هر مرکزی بلند فرمودند گوشه نمائند که نداء ملکوت را شنید جمع علماء و فلاسفه و حکماء و روسا و غیره که در حضر مبارک مشرف شدند شهادت دادند که تعالیم حضرت بهاء الله روحانیت نورانیت سبب سعادت ابدیه و راحت و آسایش عموم خلق است جای انکار برای نفسی باقی نمائند از یوم ورود حضرت مولی العالم عبدالبهاء باین صفحات در میان احباب هم چنان انجذاب و اشتعالی

پیدا شده که در هر شهری از شهرهای ایالات متحده جمیع باقوه عظیمه و حیات تازه متحداً مانند یک روح در اجسام متعدده بخدمت امر الله قیام نموده اند بحال روحانیه منعقد و ندای پاهای الاهی شبانه روز بلند است!

الله معلوم و واضح است که چون باغبان حقیقی تخم را بدست خود بکار داد حاصل آن در تنهایی درجه کمال است و ما بچشم خود مشاهده نمودیم که حضرت سولی الوری تخم الفت و بیگانگی را در ارضی افند و صافیه کاشتن و ثمرش هم فوراً ظاهر شد با وجود این همه نتایج عظیمه حضرت سولی الوری فرمودند که این از اثر یک شعاع از شمس حقیقت است که بافق

ایرینا درخشید دیگر معلوم است در مستقبل چه هنگامه خواهد گذشت حضرت سولی الوری که مرکز مشایق و بین کتاب است تعالی حضرت بهاء الله را از برای جمیع خلق بجمال و ضوح بیان فرمودند و مانند آفتاب بر کل سطح و لامع که تعالی مبارک که ایشان مطابق عقل و علم و بین همان است و ابداً منکر ندارد

هیکل مبارک از اهالی امریکا خوشنود و راضیند چنانچه مکرراً از لکنا مبارک شنیده شده که فرمودند

ملت نجیبه ایریکا طالب حقیقت هستند در جستجوی هرچین برمیایند تا از اصل و فصل آن خبردار شوند در روز حرکت احباب آنچه از هدایا و خوراکی و مرکبات و شیرینی جات و گل که بحضور مبارک آوردند حضرت سولی الوری بهمراه بخشیدند بلکه از جیب مبارک مبالغه کلیه بفقراء تقاضا فرمودند

نظرة اعلیٰ عنینا

در مصیف جان فزای دلبین در منزل امة الله مسس اگس پارسین بعد از ظهر ۱۵ اگست ۱۹۱۲ در جلری جمع از نفوس محترمه

سه هفته است که من در دلبین هستم دلبین جای بسیار خوش است جای بسیار با صفات جای بسیار خوش هوای است علی الخصوص نفوسیکه در دلبین هستند نفوس محترم هستند اخلاقشان بسیار خوش است میهمان نوازند غریب پرستند نهایت رعایت را از آنها دیدم و این محبت و رعایتشان را ابداً فراموش ننمایم همیشه در خاطر هست لهذا دعا میکنم که خدا تا بیدگلی بفرماید و این نفوس محترمه را مبارک کند الطافش

را بکل شامل نماید تا روز بروز بهتر شود
 من چون باقلیم امریکا آمدم آثار
 رحمت پروردگارا از هر جهت مشاهده
 کردم مملکتی دیدم در نهایت اتساع
 جمیع کمالات طبیعت را شامل است
 ملتی است در نهایت نجابت روز بروز
 در ترقی هستند لهذا از این جهلت
 بسیار ممنون و مسرور هستم و لکن چون
 من از شرق آمدم پیام الهی آوردم زیرا
 در این ممالک روحانیات ترقی نکرده است
 در امور طبیعی ترقی کرده ولی در امور
 ماوراء الطبیعه ترقی نکرده است لهذا
 من پیام الهی آوردم بشارت آسمانی
 آوردم جمیع را بسطوع انوار ملکوت بشارت
 دادم تعالیه بهاء الله را بیان کردم اسرار
 کتب مقدسه را شرح دادم جمیع تعالیم
 انبیاء را بیان کردم اسرار کتب مقدسه را
 بیان کردم دلایل و براهین عقلیه بر وجود
 الوهیت آوردم دلایل عقلیه بر وجود حق
 آوردم حجج عقلیه اقامه کردم که رحمت
 پروردگار مستمر است ابرار ملکوت مفتوح
 است فیض الهی ابدی است انوار شمس
 حقیقت سالح است و انرا انقطاعی
 نیست و چون سلطنت الهیه سلطنت

دائمی است لهذا فیض الهی دائمی است
 هر کس فیوضات الهیه را محدود بخدود
 نماید خدا را محدود بخدی کرده است
 مادام خداوند محدود بخدودی نیست
 فیوضات الهی را انتهای نه خدای
 هر برهانی را بیان و هر دلیلی را واضح
 نمودم که در عالم انسانی یک قوه
 روحانیه است یک روح فعاله است
 و انسان بآن ممتاز از مادون انسان
 انسان با جمیع کائنات در جمیع مراتب
 مشرک است اما بجهت روح ممتاز
 از جمیع کائنات است این روح نخبه
 از نفحات الهی است و شعاعی از شمس
 حقیقت و براهین قاطعه بر تقاد روح
 اقامه کردم و واضح آشکار نمودم که روح
 انسانی بدون فیوضات الهی مرده است
 و قلب انسانی بدون هدایت الله ظلمت است
 لهذا قلوب باید توجه بملکوت الهی
 نماید تا انوار فیوضات نامتناهی جلوه کند
 تا این ملت بخیبه امریکا که در ماد با نهایت
 ترقی نموده اند بهم چنین ترقیات روحانی
 نمایند و از عالم ماوراء الطبیعه خبر
 گیرند و سلطنت الهی را به بصیرت
 خود مشاهده کنند تا بروح القدس

تعمیر یابند و بآء الحیات تعمیر یابند و بنار
 محبت الله تعمیر جویند چنانچه حضرت مسیح
 میفرماید تا حیات ابدیه یابند تا انوار ملکوت
 الهی مشاهده کنند تا در ملکوت الهی
 داخل شوند

باری حال روز آخر است من فردا
 عازم رفتن هستم و شماها را نصیحت میکنم
 همتان را بلند کنید و مقصدتان را
 عالی فرمائید این عالم جسمانی حیات
 موقت است لابد منتزعی میشود حیات
 ولدانند این عالم تریب فانی است راحتش
 منتزعی بجزمت است غرضش منتزعی به ذات
 حیاتش منتزعی به ممات بقایش منتزعی
 به فنا می شود و هر چیزی که بقا ندارد
 در نزد عاقل جلوه ندارد زیرا انسان
 عاقل توجه بعالم فانی نمی کند توجه بعالم
 باقی می کند حیات ابدی میطلبد و در
 ظلمات طبیعت نمی ماند آرزوی ملکوت
 انوار میکند لهذا قناعت باین حیات
 فانیه نکند يك حیاتی طلبد که نهایت
 ندارد يك عزتی طلبد که ابدی و سرمدی
 است يك راحتی طلبد که آسمانی است
 يك روحانیتی طلبد که ربانی است کالات
 معنویه طلبد و فضائل ملکوتیه جویند

قربت خدا را آرزو نمائید توجه بملکوت
 الله کند پس آنچه نهایت کمالات
 عالم انسانی است بان فائز گردید
 و منتزعی فیوضات آسمانی را بطلبید
 ملاحظه کنید عقلائی که از پیش

گذشته اند دانایانی که از پیش
 گذشته اند انبیای که از پیش
 گذشته اند فلاسفه الهی که از
 پیش گذشته اند آنها خود را از
 ظلمات عالم طبیعت نجات دادند و از
 انوار عالم ملکوت بهره و نصیب گرفتند
 اعتنائی بحیات موقته این دنیا نمی
 نمودند حیات ابدیه می طلبیدند
 هر چند در زمین بودند لکن در ملکوت
 ابهی سیر می نمودند هر چند ارواحشان
 اسیر این جسد بود و لکن آزادی
 عالم بقارای جستند تا آنکه ارواح
 مقدسه آنها بملکوت ابهی صعود
 نمود و حیات ابدی یافتند

ملاحظه کنید که جمیع اعاضه
 دنیا کل معدوم شدند اثری از آنها
 باقی نیست و لکن آن نفوس مقدسه
 الی الابد آثارشان باقی است شمع
 جمیع ملوک خواموش شدند و لکن شمع آنان

روز بروز روشن تر گشت چه قدر در این عالم ملکه ها آمدند که در نهایت اقتدار بودند جمیع اینها معدوم شدند اثری از آنها نمانده است مگر آنکه در بعضی کتب تاریخ اسمی از آنان مذکور و لکن مریم مجدلیه يك زن دهانی بود چون بانوار ملکوت روشن شد

بزهان لامع

در وقتیکه حضرت مولی الوری عبدالبهاء در امریکا تشریف داشتند امر فرموده بودند که کتاب بزهان لامع که جناب آقای میرزا ابوالفضل نوشته اند چاپ و انتشار شود و به جمیع احباب بیک نسخه از آن ارسال گردد برسم الهدیه و این اداره امر مبارک را اجرا نموده است . و الآن پنج هزار نسخه دیگر چاپ کردیم که اگر کسی بخواهد فوراً ارسال می نمایم . قیمت هرشش نسخه را يك والراست .

عذر

از جمیع قارئین و مشترکین محترم باز عذر میخواهیم که بواسطه مسافرت مدیر و معاون مدیر این بنقاط مختلفه امر کار حضرت مقدر عبدالبهاء در شهران های اخیر جزوه فارسی چاپ نشد و تعویق افتاد

نجمه صالح گشت و الی الابد از افق عزت ابدیه میدرخشد از اینجا قیام کنید که نفوسیکه در ملکوت ابهام داخل میشوند عزت ابدیه می یابند صیت آنان الی الابد باقی است و از افق ملکوت مانند ستاره میدرخشد حیاتی آنها ابدی است آثار آنان ابدیت . پس بگوشید تا انوار ملکوت ابری بیابید تا بنفوذ آلهی زنده شوید تا بنفقات روح القدس حیات یابید این است حقیقت من من در حق شما دعای میکنم که خدا الطاف بی پایان خود را بر شما نازل کند . من محبت شماها را ابد فراموش نمیکنم و آنچه در حق من مجری داشتید